

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی-فرهنگی

شعر از عشقوری
فرستنده: محمود شاداب
۰۳ می ۲۰۱۹

[تسلای دل]

تا بر رُخ تو نظاره کردم
دیدم که ز من تو عار داری
یک شب تو نیامدی به خوابم
ویرانه گزین شدم ز عشقت
یک بار نشد تسلی من
یک بار به روی من نخندید
دود از جگر بر آمد امروز
تیرنگه تو خورده گفتم

پیراهن خویش پاره کردم
خود را ز رخت کناره کردم
هر چند که استخاره کردم
خسپوشک خود سواره کردم
طوف حرمت دوباره کردم
خود را که دوصد قواره کردم
صد شکر خدا شراره کردم
درد دل خویش چاره کردم

خسپوشک: کلاه یا روزنی که با خس پوشیده شده باشد
سواره: مقابل پیاده سوار بر اسب یا هر وسیله دیگر اما در این جا کاه گندم مراد است